

نقش آلمان در آینده همکاری‌های ایران و اتحادیه اروپا

حامد نیک‌پی*

حسین رفیع^۲

چکیده

به دنبال شکست قدرت‌های اروپایی در جنگ‌های جهانی، اروپا نقش محوری خود در نظام بین‌الملل را از دست داد و با تقسیم این قاره، کشورهای اروپایی تحت سیطره و نفوذ دو قطب بزرگ قدرت، آمریکا و شوروی سابق قرار گرفتند و تحوّل امنیتی و توسعه آن‌ها در این چارچوب رقم خورد. اروپای ضعیف شده برای ایفای نقشی مؤثرتر در نظام بین‌الملل راه همکاری و همگرایی را در قالب سازمان‌های منطقه‌ای، به ویژه در غرب اروپا در پیش گرفت که نمونه بارز امروزی آن اتحادیه اروپاست. در بین اعضای اتحادیه مذکور، آلمان به عنوان قدرت اقتصادی و صنعتی، جایگاه برجسته و اول را به خود اختصاص داده است. در چنین شرایطی ایران نیز که درگیر چالش‌های عمیقی با ایالات متحده بوده، همواره در صحنه بین‌المللی و در روابط تجاری و اقتصادی در نظر داشته تا از علم و فناوری کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌خصوص آلمان در راستای توسعه اقتصادی و صنعتی خود بهره‌جوید؛ اگر چه موانع سیاسی و بحران روابط با آمریکا، همواره سبب ساز چالش‌هایی اساسی در مناسبات ایران با آلمان و اتحادیه اروپایی بوده‌اند. مقاله حاضر می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه روابط نزدیک با آلمان به عنوان عضو قدرتمند اتحادیه اروپایی می‌تواند سبب تحکیم روابط ایران با این اتحادیه و تأمین منافع اقتصادی و توسعه صنعتی این کشور گردد؟ برای پاسخ به این سؤال، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی این فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد که در صورت غلبه بر چالش‌های سیاسی، با توجه به قدرت اقتصادی و صنعتی آلمان و جایگاه آن در اتحادیه اروپایی، روابط نزدیک ایران با این کشور می‌تواند زمینه ساز تحکیم روابط با اتحادیه اروپا و بهره‌گیری از این مناسبات در راستای توسعه اقتصادی و صنعتی کشور باشد، و در این راستا مدل آلمان و منطقه آلمان را ارائه می‌نماییم.

واژگان کلیدی: ایران، آلمان، منطقه آلمان، اتحادیه اروپا، روابط اقتصادی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران

* hamednikpey@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و چهارم، صص ۲۸۵-۳۱۴

مقدمه

ایران کشوری بزرگ، برخوردار از منابع عظیم انرژی و بازیگری قدرتمند به لحاظ سیاسی، امنیتی و اقتصادی در خاورمیانه است. درحالی که بی ثباتی در این منطقه عمق و گستره وسیعی دارد، ایران ضمن توجه به امنیت منطقه درصدد بوده است با حفظ ثبات و امنیت داخلی، جذب سرمایه‌های خارجی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین بر موانع رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی غلبه نماید. این کشور با توجه به آرمان‌های انقلابی خود در زمینه‌های وابستگی و اقتصاد تک محصولی، خود را ناگزیر می‌داند که تلاش جدی و مؤثری در توسعه زیر ساخت‌های اقتصادی و صنعتی انجام دهد. از نگاه ایران، این تلاش‌ها باعث تقویت اقتصاد ملی و خودباوری در حوزه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی-امنیتی خواهد گردید. این کشور با استفاده از نیروی انسانی متخصص خود در حوزه‌های مختلف کشاورزی، صنعتی، انرژی و با گسترش همکاری‌ها و روابط با کشورهای توسعه یافته صنعتی، می‌تواند زیرساخت‌های لازم را در راستای صنعتی شدن و رهایی از اقتصاد نفتی مهیا سازد. برای تحقق این امر مهم، برقراری تعاملات گسترده اقتصادی با آلمان می‌تواند به عنوان گامی مؤثر مورد توجه قرار گیرد، که البته شرط نخست آن، غلبه بر موانع سیاسی و چالش‌های سیاست خارجی است. در این صورت، با توجه به جایگاه برتر اقتصادی و صنعتی آلمان در اتحادیه اروپایی، سایر کشورهای اروپایی نیز به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف و توسعه روابط و همکاری‌های اقتصادی با این کشور ترغیب خواهند شد و در نتیجه روابط سیاسی و اقتصادی بین ایران و اتحادیه اروپا چشم اندازی رو به گسترش خواهد یافت.

قدرت اقتصادی و صنعتی و جایگاه سیاسی اتحادیه اروپا، موجب گردیده تا این اتحادیه یکی از بازیگران بزرگ و برجسته در روابط بین‌الملل محسوب شود. سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مقایسه با سایر بازیگران بین‌المللی، باز بودن دیپلماسی و تعامل اتحادیه اروپا با ایران حتی پس از تحریم‌ها علیه این کشور، موجب گردیده که ایران خواهان تعامل بیشتر با اتحادیه اروپا در مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. در همین راستا، پس از طرح برنامه هسته‌ای ایران، این کشور کوشید با توجه به چالش‌های گسترده روابط خود با ایالات متحده، کشورهای قدرتمند اروپایی را وارد بازی نماید. در

نهایت نیز مدیریت مذاکرات ایران با قدرت‌های جهانی بر سر برنامه هسته‌ای به اتحادیه اروپایی واگذار گردید. اما، ناتوانی اروپا در حمایت مؤثر از توافق هسته‌ای (برجام) پس از خروج آمریکا، نشان داد که به رغم قدرت و توان اقتصادی اتحادیه اروپا از ایفای نقش بازیگری بزرگ در عرصه سیاست بین‌الملل، در مواجهه با ایالات متحده همچنان از ضعف‌های عمیقی رنج می‌برد. لذا، فرضیه این مقاله بر اساس این سناریو شکل گرفته، که در صورت حل چالش‌های سیاست خارجی، روابط نزدیک با آلمان می‌تواند زمینه ساز روابط نزدیک‌تر ایران و اتحادیه اروپایی و بهره‌مندی کشور مذکور از توانمندی‌های این اتحادیه در راستای توسعه اقتصادی و صنعتی خود باشد.

در این مقاله، با توجه به اهمیت گسترش روابط ایران و آلمان، مدل آلمان و منطقه آلمان ارائه می‌گردد و حوزه‌های همکاری و همچنین چالش‌های موجود در روابط ایران و آلمان مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ادامه بحث به نقش و اهمیت آلمان در گسترش روابط ایران و اتحادیه اروپایی و امکان بهره‌مندی ایران از توانمندی‌های این اتحادیه در راستای توسعه اقتصادی و صنعتی اختصاص می‌یابد.

چارچوب نظری

در نظام بین‌الملل کنونی، گسترش روابط سیاسی بین کشورها به عوامل متعددی از جمله میزان مبادلات اقتصادی، تجاری، فرهنگی و علمی بین آن کشورها وابسته است. چارچوب نظری این مقاله با توجه به تأکید بر روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی بین ایران و آلمان، نظریه وابستگی متقابل است. رابرت کوهن و جوزف نای را مهم‌ترین و اصلی‌ترین پدید آورندگان نظریه وابستگی متقابل در دهه هفتاد میلادی می‌دانند. با توجه به شکست آمریکا در جنگ با ویتنام که باعث ناکامی ایالات متحده آمریکا در اعتلای هژمونی خود در نظام بین‌الملل گردید، و نیز با به قدرت رسیدن سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی از جمله اوپک در روابط بین‌الملل و همچنین توجه روزافزون کشورها بر توسعه اقتصادی، رابرت کوهن و جوزف نای با به چالش کشیدن واقع‌گرایی کوشیدند تا درک جدیدی از نظام بین‌الملل را ارائه دهند. از دیدگاه آنان، روابط بین کشورها فقط به حوزه دولت-دولت منحصر نمی‌شود و گسترش روابط بین

آن‌ها در حیطه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و علمی سبب گردیده است تا واقع گرایی برای توضیح روابط بین‌الملل بسیار محدود و ناکارآمد باشد. در نگرش واقع گرایانه، دولت‌ها تنها بازیگران اصلی روابط بین‌الملل هستند و فاکتورهای قدرت نظامی، تقابل و امنیت مهم‌ترین ابزار قابل استفاده برای پیشبرد سیاست آن کشورها در عرصه جهانی محسوب می‌شوند. این نوع نگرش، سبب شده است که کشورها با توجه به قدرت نظامی و امنیتی خود سعی کنند تا کشورهای دیگر را در شکل جدیدی از صف‌بندی به عنوان حامی سیاست‌های خود در نظام بین‌الملل قرار دهند. دنیای جدید، دنیای وابستگی متقابل مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیر دولتی از جمله بانک‌ها، شرکت‌های بین‌المللی، اوپک، رسانه‌ها و ... است که در آن شبکه‌های پیچیده‌ای از همکاری و تعامل و تعارض وجود دارد که هیچ قدرت کاملاً برتر و مسلطی در آن قابل تشخیص نیست بلکه یک نوع درهم تنیدگی بین آن‌ها وجود دارد.

برخی از خصوصیات مدل وابستگی متقابل را در عناوین ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱. بازیگران روابط بین‌الملل تنها دولت‌ها نیستند؛ شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی بازیگران جدیدی هستند که در کنار دولت‌ها نقش آفرینی می‌کنند.
۲. مسائل اساسی جهان دیگر تنها مسائل نظامی، امنیتی و استراتژیک نیست، بلکه مسائل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیشتری یافته‌اند. به همین دلیل کاربرد زور و قدرت نظامی کمتر و همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی بیشتر می‌شود.
۳. قاعده رفتار در عرصه جهانی از تعارض و مخاصمه به همکاری‌های فراملی تغییر کرده است. در روابط بین‌الملل برد یک بازیگر لزوماً به معنی باخت دیگری نیست و بازی جدید می‌تواند دو یا چند برنده و بازنده داشته باشد.

۴. سلسله مراتب قدرت که مبتنی بر قدرت نظامی بود، جای خود را به شبکه پیچیده‌ای از همکاری‌ها داده است که دیگر سلسله مراتبی نیست (Keohane & Nye, 1977: 5-35).

وابستگی متقابل نیز به عبارت ساده به معنای وابستگی دو طرفه است. وابستگی متقابل در سیاست جهانی به وضعیتی اشاره دارد که در آن بین کشورها یا بازیگران داخلی کشورهای مختلف، تأثیرگذاری متقابل وجود دارد. این تأثیرگذاری‌ها اغلب از

مبادلات بین‌المللی، نقل و انتقال پول، کالا، افراد و پیام در سطح بین‌المللی ریشه می‌گیرد. وابستگی متقابل با وابستگی دو طرفه متقارن و برابر و یکسان نیست. ممکن است سطح و حجم مبادلات اقتصادی بین دو یا چند کشور افزایش نیابد و یا حجم مبادلات یکی از طرفین بیشتر از طرف دیگر باشد، اما وابستگی متقابل و همگرایی آن‌ها بیشتر شود. معیاری که در این زمینه ارائه می‌شود معیار حساسیت است. حساسیت؛ بدین معنی است که تحولات و روابط اقتصادی چند بازیگر بین‌المللی اهمیت و تأثیر فوق‌العاده‌ای برای دیگری دارد. ممکن است حجم مبادلات در کشور تغییری نکنند، اما اهمیت، تأثیر و حساسیت مبادله برای آن‌ها افزایش یابد و این به معنی افزایش وابستگی متقابل میان آن‌هاست. این امر به تدریج موجب می‌شود که درجه ای از همبستگی میان بازیگران اقتصادی شکل گیرد (Kohene, 1984: 366-368).

روابط غیررسمی میان نخبگان دولتی و نخبگان غیردولتی و سازمان‌های فراملی، انجمن‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی، باعث تأثیر گذاری بر روابط بین کشورها می‌گردد. میزان بالای ارتباطات بین ملت‌های مختلف و تأثیر پذیری فرهنگی و اجتماعی میان آن‌ها، سبب می‌شود که میزان ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بین آن‌ها افزایش یابد و در ادامه باعث اثرگذاری بر سیاست‌های کشورهای مورد نظر در قبال یکدیگر خواهد شد. همگرایی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطقی که سطوح بالاتری از تأثیرگذاری وجود دارد، می‌تواند به شکل‌گیری روند سیاسی و نیز نهادهای مشترک سیاست گذاری منجر شود و هر اندازه میزان تبادلات اقتصادی و فرهنگی و علمی بین کشورها افزایش یابد، نزدیکی سیاسی بین آن کشورها نیز بیشتر می‌شود. در این راستا افزایش تبادلات علمی، فرهنگی، اقتصادی و تجاری بین ایران و آلمان، موجب تعاملات گسترده فرهنگی، اقتصادی بین دو کشور خواهد بود. استمرار این همکاری‌ها نیز باعث افزایش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی بین ایران و آلمان و همچنین ایران و اتحادیه اروپا خواهد گردید.

روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از برجام

در نظام بین‌الملل کنونی بغیر از دولت‌ها، نقش آفرینان دیگری از جمله سازمان‌ها، نهادهای سیاسی و فرهنگی بر تصمیمات جهانی تأثیر گذار هستند. از جمله مهم‌ترین این سازمان‌ها اتحادیه اروپاست. اتحادیه اروپا با عضویت ۲۷ کشور و داشتن جمعیتی بالغ بر ۵۰۰ میلیون نفر در ردیف چهارم ثروت و درآمد جهان می‌باشد از طرفی این اتحادیه بیش از ۲۰ درصد تجارت جهانی را در اختیار دارد و اینکه بیش از ۷۰ درصد از مبادلات جهانی بواسطه شرکت‌های بین‌المللی که اعضای این اتحادیه در سرتاسر دنیا ایجاد نموده است صورت می‌گیرد. یورو پول واحد اتحادیه اروپا، پس از دلار ارزشمندترین پول رایج دنیا را دارا می‌باشد. اتحادیه اروپا با دارا بودن تولید ناخالص داخلی که به بیش از ۷ هزار میلیارد دلار می‌رسد، بالاترین درآمد سرانه سطح جهانی را بخود اختصاص داده است. قدرت اقتصادی آلمان و فرانسه باعث شده است تا اتحادیه اروپا در سیاست گذاری‌های جهانی از جمله صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی نقش برجسته را به خود اختصاص داده است (رستمی، ۱۳۹۸: ۲۴۷).

اتحادیه اروپا در حوزه‌های مختلفی از جمله نظامی، اقتصادی و حقوق بشر به دنبال نقش آفرینی در نظام بین‌الملل است و چه بسا در مسائل مختلفی از جمله توافقنامه برجام تلاش نموده است که جایگاه خود را در تصمیم‌گیری نظام بین‌الملل به اثبات برساند. توافقنامه برجام را می‌توان یک نمونه بارز از همکاری میان ایران و اتحادیه اروپا دانست. در دولت اوباما، کشورهای غربی به این نتیجه رسیده بودند که حذف کامل ایران از برنامه هسته‌ای امکان‌پذیر نیست و سرانجام موضع اتحادیه اروپا در یک برنامه واقع‌بینانه‌تر نسبت به غنی‌سازی سطح پایین برای اهداف غیرنظامی در ایران مورد موافقت قرار گرفت (Fiedler, 2018: 297).

توافقنامه برجام بین ایران و گروه ۵+۱ نقطه عطفی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران با نظام بین‌المللی بوده است. ایران توانست به صورت هوشمندانه با ابرقدرت‌های دنیا در زمینه انرژی هسته‌ای به توافقی برسد که توافقنامه قرن نیز نام گرفت (Sterio, 2016: 69). در پی این توافق بین‌المللی، ایران به دستاوردهای بسیار خوبی دست یافت و همچنین اثبات کرد که از سیاست گفتمان و تعامل برخوردار است. در این راستا ایران

نشان داد که در هر زمانی که نیاز باشد می‌تواند قدرت هسته ای خود را افزایش دهد، و هر زمان که لازم ببیند می‌تواند گفتگوی سیاسی و سازنده با جهان داشته باشد. ایران در ادامه توانست با شرکت‌های بزرگ اقتصادی اروپایی قراردادهایی در حوزه‌های نفت، صنعت خودرو، هواپیمایی و ... امضا کند که برای توسعه و نوسازی زیر ساخت‌های اقتصادی ایران بسیار مهم بوده است. همچنین جایگاه سیاسی و اقتصادی خود را در اوپک دوباره کسب نماید و میزان فروش نفت خود را به دوران قبل از تحریم‌ها افزایش دهد (طاهرپور، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

۲۹۱



نقش آلمان در
آینده همکاری‌های
ایران و اتحادیه
اروپا

اما همان طور که ترامپ در کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۵ اعلام کرده بود، از موافقت نامه برجام خارج شد و با نفوذ صهیونیسم و عوامل مخالف حکومت ایران از جمله جان بولتون در هسته تصمیم‌گیری‌ها، تحریم‌های هسته ای علیه ایران را دوباره اعمال نمود. این مسأله موجب خروج شرکت‌های بزرگ نفتی، هواپیمایی و ماشین سازی و نیز فسخ و یا تعلیق قراردادهای بین‌المللی با ایران شد. در ادامه آمریکا خواهان کاهش توان دفاعی و نظامی ایران از جمله در زمینه‌های موشکی شد و در این راستا، با فشار حداکثری بر اقتصاد ایران کوشید تا این کشور را در انزوا قرار دهد.

آمریکا و اتحادیه اروپا بدلیل نفوذ و در مسائل مختلف سیاسی و اقتصادی بین‌المللی بعنوان دو بازیگر مهم و تأثیر گذار در عرصه جهانی قلمداد می‌گردند. از جنگ جهانی دوم به بعد، با توجه به ضعف کشورهای اروپایی بخاطر جنگ، خطر نفوذ شوروی و کمونیسم باعث گردید تا آمریکا در اروپا از حیطة عملیاتی گسترده ای برخوردار گردد. در این راستا، اروپا با کمک مالی آمریکا توانست اقتصاد بر شکسته خود را نجات دهد و ناتو با حمایت آمریکا توانست امنیت اروپا را فراهم نماید. بعد از فروپاشی شوروی و بوجود آمدن اتحادیه اروپا، با توجه به نفوذی که آمریکا همچنان بر کشورهای اروپایی دارد، و با توجه به هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل، باعث گردید تا آمریکا بتواند بر تصمیمات این اتحادیه تأثیر گذار گردد.

آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه هسته ای در قبال ایران تأکید دارند که می‌باید جلوی دستیابی ایران به سلاح هسته ای سلب گردد، ولیکن در نحوه برخورد با ایران اختلاف نظر وجود دارد. آمریکا خواهان عدم دست یابی ایران به انرژی هسته‌ای از جمله

بصورت قهرآمیز می‌باشد، در صورتیکه اتحادیه اروپا برای بهرمندی ایران از برنامه هسته ای صلح آمیز، از طریق مذاکره و یا استفاده از ابزارهای اقتصادی تاکید دارد. ولیکن با توجه به فشار آمریکا به کشورهای اروپایی در این راستا، و همچنین نگرانی از فعالیت‌های موشکی ایران، سبب گردید که اتحادیه اروپا در خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌ها علیه ایران، نقش یک بازیگر بازدارنده را به خوبی ایفا ننماید.

اما بیان این نکته مهم می‌باشد که امروزه با توجه به نگرانی اتحادیه اروپا از عملکرد دولتمردان آمریکا در زمینه خروج از معاهدات زیست محیطی، ایجاد تعرفه‌های گمرکی جدید، اختلاف در مدیریت ناتو، ترجیح منافع آمریکا بر معاهدات بین‌المللی و ایجاد هژمونی جدید در جهان، باعث شده است که این اتحادیه تا حدودی رو در روی یک جانبه گرایی آمریکا قرار گیرد.

ایران و اروپا در زمینه‌های بسیار زیادی دارای منافع مشترک هستند که از جمله می‌توان، درک اروپا از نقش آفرینی ایران در ثبات منطقه خاورمیانه را ذکر نمود (کیانی، ۱۳۹۷: ۱۶۷). مشکلات خاورمیانه از جمله مواد مخدر، تروریست و مهاجرت، موجب گردیده است که اتحادیه اروپا بیش از پیش به نقش آفرینی ایران در ثبات منطقه پی ببرد. اروپا به این موضوع آگاه است که در بحران داعش، ارتش سوریه با همکاری و راهنمایی مستشاران نظامی ایران توانسته است حکومت داعش را به طور کامل در سوریه از بین ببرد، در غیر این صورت باعث افزایش مهاجرت مردمان منطقه به کشورهای اروپایی و همچنین موجب گسترش نفوذ داعش در اروپا می‌گردید. (نظامپور، ۱۳۹۵: ۱۴). روابط اقتصادی بین ایران و شرکت‌های بزرگ اروپایی در زمینه‌های انرژی، ماشین سازی، دارو، ترانزیت و همچنین مراودات علمی و فرهنگی از جمله فرستادن دانشجویان به اروپا و داشتن مراکز فرهنگی در آلمان، فرانسه و شمال اروپا گویای گستردگی روابط اقتصادی و علمی ایران و اتحادیه اروپاست.

سران اروپا به این مسئله باور دارند که برخورد ترامپ با برجام باعث به خطر افتادن معاهده‌های دیگر بین‌المللی هم خواهد شد. موگرینی در این رابطه اظهار کرده است که این توافق نامه از طریق دیپلماسی جامعه بین‌المللی به دست آمده است، این امر باعث می‌شود جهان ایمن‌تر شود و این مانع از مسابقه احتمالی تسلیحات هسته‌ای در منطقه

می‌شود و ما انتظار داریم همه طرفین به اجرای کامل این توافق ادامه دهند (Cronberg, 2018: 257)

از طرفی، محروم کردن ایران از روابط بین‌المللی باعث به وجود آمدن بحران در منطقه و همچنین باعث بی ثبات شدن انرژی در خاورمیانه خواهد شد. طرفهای اروپایی از جمله آلمان و فرانسه بر حفظ قراردادهایی که شرکت‌های اروپایی در فاصله اجرای برجام با شرکت‌های ایرانی منعقد گردیده بودند تأکید داشتند. گرچه پیکان توجه دولت ترامپ و همچنین نگرانی مسئولان ایران به تحریم‌های نفتی معطوف است، اما آنچه می‌تواند باعث مشکلات اقتصاد ایران شود، قطع ارتباط با شریان مالی جهانی، سوئیفت^۱

۲۹۳



نقش آلمان در
آینده همکاری‌های
ایران و اتحادیه
اروپا

است. ایران در هر صورت می‌تواند در مقیاس بسیار نازل‌تر از طریق مرزهای خود نفت صادر کند اما مشکل اصلی بر سر وصول درآمدهای ناشی از فروش نفت است. در اهمیت سوئیفت برای بازرگانی خارجی تردیدی وجود ندارد. سوئیفت دربرگیرنده حدود ده هزار بانک و مؤسسه در سراسر جهان است و سالانه بیش از هفت میلیارد تراکنش مالی از سوی سوئیفت انجام می‌شود (SWIFT homepage). شرکت‌های آلمانی در آستانه اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، از دولت کشورشان و اتحادیه اروپا خواستند تا برای ادامه همکاری با ایران به آن‌ها کمک کنند. داگمار فون بونشتاین، نماینده اتاق بازرگانی ایران و آلمان در این مورد به روزنامه Rheinische Post گفت: "ما به عنوان نماینده اقتصاد آلمان در ایران از دولت آلمان و کمیسیون اروپا می‌خواهیم که راه‌هایی برای پرداخت امن پیدا کنند." فون بونشتاین در ادامه افزود: "مسئله کمک‌های مالی نیست. بزرگ‌ترین مشکل، یافتن بانک‌هایی است که در زمینه تبادل مالی به صورت قانونی با ایران کار کنند و در شرایط کنونی این مسئله فقط به وسیله راهکار سیاسی قابل حل است" (طاهرپور، ۱۳۹۵: ۱۲۶). در این راستا، اتحادیه اروپا سازوکاری برای انتقال پول با ایران به نام اینستکس به عنوان ابزاری در حمایت از تبادلات مالی ایجاد نموده است که می‌تواند به عنوان شریان مالی non-SWIFT و non-USD از جمله اینستکس^۲ در راستای تجارت مالی با ایران مورد استفاده قرار گیرد.

1. SWIFT: The Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication
2. INSTEX: Instrument for Supporting Trade Exchanges

آمریکا در پی سیاست فشار حداکثری خود علیه ایران، تلاش نمود تا اروپا را از روند استفاده از اینستکس باز دارد. در این راستا ریچارد گرزل، سفیر ایالات متحده در آلمان، در مصاحبه‌ای که در روزنامه آلمانی فرانکفورتر آلوگماینه زایتونگ منتشر شد به انتقاد در مورد ساز و کار مالی تجارت اروپا با ایران پرداخت. گرزل مدعی شد کانال مالی اینستکس غیرسازنده و ناسازگار با سیاست‌های آمریکا در جهت افزایش فشارها بر تهران است (خبرگزاری آفتاب ۱۳۹۷).

به طور حتم حجم قراردادهای و مبادلات شرکت‌های بزرگ اروپایی از جمله زیمنس، توتال و بنز با آمریکا خیلی بیش از قراردادهای این شرکت‌ها با ایران است ولیکن در حال حاضر آنچه برای اتحادیه اروپا مهم است، حفظ جایگاه سیاسی و حقوقی این اتحادیه است. آلتمایر، وزیر اقتصاد آلمان در مصاحبه با روزنامه Bild am Sonntag گفت: "آلمان و متحدان اروپایی‌اش به رغم فشار آمریکا حمایت از شرکت‌های طرف معامله با ایران را ادامه خواهند داد". آلتمایر افزود: "ما به واشنگتن اجازه نخواهیم داد به ما دیکته کند که با چه کسی معامله کنیم" (Reuters).

ایران با توجه به میزان همکاری بالایی که با اتحادیه اروپا در زمینه‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله در مورد برجام داشته است می‌تواند از این اختلاف نظر سیاسی به وجود آمده بین اتحادیه اروپا و آمریکا استفاده نماید تا روابط سیاسی و اقتصادی خود و اتحادیه اروپا را افزایش دهد، که بطور حتم در افزایش جایگاه اقتصادی و سیاسی ایران در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل تأثیر بسزایی خواهد داشت.

نقش آلمان در آینده همکاری‌های ایران با اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا از نظر موقعیت سیاسی، امنیتی و اقتصادی در سطح جهانی و بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آلمان به عنوان یک کشور مدرن صنعتی و برخوردار از زیرساخت‌های اقتصادی مطمئن، نقش بسیار تأثیرگذاری در سیاست کلی اتحادیه اروپا دارد. تأثیرگذاری اقتصاد و صنعت آلمان بر اقتصاد اروپا و جهان، موجب به قدرت رسیدن آلمان به عنوان یک کشور تأثیر گذار در تصمیم‌گیری‌های جهانی گردیده است.

چه بسا ۱+ در اصطلاح ۱+۵ کشورهای صنعتی دنیا متعلق به آلمان باشد. به موجب پیمان ماستریخت، آلمان از کشورهای مؤسس اتحادیه اروپایی و امروزه گرداننده اصلی امور این اتحادیه است، و همین امر موجب قدرت عملیاتی گسترده‌ای در سطح جهانی برای این کشور شده است. مقر بانک مرکزی اروپا، مجری به جریان افتادن یورو، در شهر فرانکفورت است. در مورد اهمیت نقش آلمان در اتحادیه اروپا باید گفت که اصل دوم سیاست خارجی آلمان تأمین وحدت اروپا و رهبری آن است. برای تحقق این منظور آلمان با همکاری فرانسه اتحاد پولی و اقتصادی کشورهای اروپایی را دنبال کرده و اتخاذ یک سیاست خارجی و امنیتی مشترک را در دست دارد (رحمانی، ۱۳۸۷: ۳۲۴).

تدبیر آلمان در حل بحران مالی اروپا را می‌توان به عنوان قدرت برتر اقتصادی و سیاسی آلمان بر اتحادیه اروپا قلمداد کرد. از زمان ایجاد یورو، نوعی عدم موازنه اقتصادی در منطقه یورو به ویژه میان اعضای بهره‌مند از قدرت تولید تجاری مازاد مانند آلمان و اعضای دچار کسری تجاری مانند یونان و سایر کشورهای اروپای جنوبی وجود داشته است که منجر به شکافی در درون یورو و بروز کسری تجاری چشمگیر در میان اعضای منطقه یورو گردیده است (Kundnani, 2011: 370).

آلمان با کم کردن مصرف داخلی، جلوگیری از رشد دستمزدها، برتری محصولات داخلی خود و اعمال فشارهای انقباضی بر منطقه یورو توانسته است سیاست‌های اقتصادی خود را به دیگر کشورهای عضو توسعه بخشد. آلمان با تدبیر اجرای کامل رژیم ریاضت اقتصادی توسط اعضای بدهکار و بحران زده از جمله یونان و نیز تصویب و اجرای توافقنامه مربوط به معاهده مالی جدید که در سال ۲۰۱۲ به امضای سران اروپا رسید، توانست به حل بحران مالی اتحادیه اروپا کمک نماید. به اعتقاد تحلیلگران اقتصادی اروپا، حل بحران مالی اروپا توسط آلمان که منجر به توسعه حضور و نفوذ آلمان در عرصه جهانی، گسترش اتحادیه به شرق که سبب باز شدن بازار شرق اروپا به سمت اقتصاد صادرات محور آلمان و گسترش چشمگیر صادرات آلمان به سایر اعضای اتحادیه اروپا شده است، می‌تواند موجب هژمونی اقتصادی آلمان بر اتحادیه اروپا گردد (کیانی، بهار ۱۳۹۲: ۳۵۳). از طرفی باتوجه به خروج انگلستان از اتحادیه اروپا Brexit که موجب کم‌رنگ شدن نقش حامی

سیاسی اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل خواهد گردید، نقش سیاسی، امنیتی و اقتصادی آلمان در حفظ و یکپارچگی اتحادیه اروپا پررنگ‌تر از گذشته خواهد گردید.

سرمایه‌گذاری خارجی از جمله منابع تأمین مالی کشورها محسوب می‌شود. در این راستا، بیشتر کشورهای جهان با ایجاد اصلاحات سیاسی و اقتصادی به دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند. ایران از اوایل دهه هفتاد با تصویب قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش فراوانی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به خصوص سرمایه‌گذاران کشور آلمان، کرده است (دهقان، ۱۳۹۶: ۵۱).

از طرف دیگر، کشور آلمان در تمام دوره‌ها نشان داده که خواهان گسترش همکاری سیاسی و اقتصادی با ایران است. هانس دیتریش گنشر اولین وزیر خارجه اروپایی است که در سال ۱۳۶۳، با هدف تلطیف و توسعه روابط ایران و اروپا وارد تهران شد (Mosalaei, 2019: 14).

وی به عنوان وزیر خارجه وقت آلمان غربی، آمادگی خود را برای مذاکره با ایران به منظور ممانعت از انزوای کامل این کشور از سوی غرب آشکارا اعلام نمود و همچنین این دولت در تصویب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مبنی بر متجاوز شناخته شدن عراق در جنگ با ایران نقش مؤثری را ایفا نمود (Perthes, 2014: 1). و همین امر باعث شد که در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، مراودات اقتصادی با آلمان افزایش یابد (کیانی، پاییز ۱۳۹۲: ۱۶۸).

در سالهای کنونی، بخصوص پس از برجام، ایران و آلمان به دنبال تقویت و توسعه مناسبات خود تلاش بسیاری انجام داده‌اند که حضور مقامات و هیات‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و تجاری آلمان در تهران بیانگر رویکرد آنها برای توسعه روابط می‌باشد. دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در رابطه با ایران ترجیح می‌دهند که آلمان گام اول را بردارد تا آنها بدان استناد کنند؛ زیرا آنها به شناخت آلمان از ایران اعتماد دارند (رحمانی، ۱۳۸۴: ۱۴۴). گسترش و توسعه مستمر روابط ایران با آلمان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی باعث گسترش روابط ایران و اتحادیه اروپا در تمامی حوزه‌ها خواهد گردید که این می‌تواند باعث بالا رفتن حیطه عملیاتی ایران در منطقه و افزایش جایگاه سیاسی ایران در نظام بین‌الملل گردد (اطاعت، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

هر چند آلمان در طول این سال‌ها تلاش نمود تا روابط خود با ایران را افزایش دهد و همچنین نقش میانجی را بین ایران و غرب ایفا نماید، ولیکن مسائلی از جمله تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران، موجب گردید تا روابط ایران و آلمان دستخوش تغییرات گردد.

ایالات متحده آمریکا پس از استقلال از انگلیس، اولین کنسولگری خود را در خاک آلمان در هامبورگ در سال ۱۷۹۰ و دومین کنسولگری را در برمن در سال ۱۷۹۴ تأسیس کرد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، اجرای برنامه مارشال از سوی آمریکا موجب بهبودی اقتصاد آلمان غربی گردید و پایگاه‌های نظامی آمریکا دفاع از این کشور را در طول جنگ سرد تضمین می‌کردند. در سایت وزارت امور خارجه آمریکا در مورد اهمیت روابط با آلمان بیان شده است که آلمان یکی از نزدیک‌ترین و قویترین متحدین ایالات متحده در اروپا است. کشورهای عضو اتحادیه اروپا به طور جمعی بزرگ‌ترین شرکای تجاری آمریکا هستند و آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا در قلب این روابط است. پس از چین و آمریکا، آلمان سومین صادرکننده جهان است. بیش از ۲۰ درصد از شغل‌ها در آلمان به صادرات بستگی دارد که ۴۷ درصد از تولید ناخالص داخلی آلمان در سال ۲۰۱۸ را به خود اختصاص داده است که صادرات آلمان به آمریکا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. در سال ۲۰۱۸، تجارت دوجانبه دو کشور بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار بوده است (homepage State.gov).

از زمان صدراعظمی مرکل آنگلا، روابط آلمان با آمریکا وارد مرحله جدیدی گردید. مرکل تلاش نمود تا روابط آلمان با آمریکا را افزایش داده و همچنین با توجه به مخالفت آلمان با آمریکا در حمله به عراق، روابط خود با آمریکا را ترمیم نماید؛ که این نشان از گستردگی روابط آلمان و آمریکا می‌باشد (شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

تحریم‌های آمریکا علیه ایران سبب گردید تا بسیار از شرکت‌های آلمانی قراردادهای خود با ایران را تعلیق و یا فسخ نمایند، که از جمله می‌توان به خروج شرکت‌های زیمنس، دویچه بان (شرکت ملی راه آهن آلمان) و دویچه تلکوم (بزرگ‌ترین شرکت مخابراتی آلمان) اشاره نمود (تابناک ۱۳۹۷). بطور حتم حجم قراردادهای و مبادلات شرکت‌های بزرگ آلمانی از جمله زیمنس، دویچه بان، دویچه تلکوم، باسف و بنز با

آمریکا خیلی بیش از قراردادهای این شرکت‌ها با ایران است ولیکن در حال حاضر آنچه برای آلمان و اتحادیه اروپا مهم است، حفظ جایگاه سیاسی و حقوقی این اتحادیه است که باعث گردد آلمان و اتحادیه اروپا تلاش نمایند تا آنجا که امکان دارد رو در روی یکجانبه گرایی آمریکا جبهه گیری نمایند.

با توجه به عملکرد آمریکا در زمینه‌های مختلفی از جمله خروج از برجام، خروج از معاهدات زیست محیطی و همچنین تحریم آمریکا به انتقال گاز روسیه به اروپا (نورد استریم ۲) باعث گردیده است تا آلمان از خواست آمریکا برای ایجاد هژمونی و برتری خود در نظام بین‌الملل احساس نگرانی نمایند. از جمله می‌توان به نگرانی آلمان از دخالت آمریکا در انتقال گاز از روسیه به اروپا (نورد استریم ۲) اشاره نمود. آنگلا مرکل به تحریم آمریکا به طرح انتقال گاز از روسیه به اروپا (نورد استریم ۲) انتقاد کرده و بیان داشته است که این پروژه می‌باید انجام پذیرد. همچنین کارستن اشنایدر، مدیر پارلمانی فراکسیون حزب سوسیال دموکرات آلمان انتقاد شدیدی به تصمیمات کنگره آمریکا برای اعمال تحریم‌های جدید علیه این پروژه گازی وارد کرده و اعلام کرد که آلمان نباید به کشور دست نشانده آمریکا تبدیل شود (تسنیم ۱۳۹۹).

آلمان از نظر سیاسی و اقتصادی از توانمندی‌های بالایی در سطح جهانی برخوردار می‌باشد. در این راستا آلمان سعی می‌کند در روابط خارجی با دیگر کشورها که از سیاست واقع‌گرایی و کاهش تنش استفاده نماید. ایران با توجه به حجم بالای سرمایه گذاری‌های صنعتی آلمان در ایران در طول دوره‌های مختلف و همچنین با توجه به همکاری‌های وسیعی که با آلمان در مسائل حساسی از جمله برجام داشته است می‌تواند از اختلافات نظر سیاسی و اقتصادی بوجود آمده بین آلمان و آمریکا استفاده نماید تا روابط سیاسی و اقتصادی خود با آلمان را افزایش دهد. فیلیپ آکرمان، مدیرکل منطقه ای وزارت امور خارجه آلمان، جهت رایزنی و گفتگو برای حفظ و گسترش روابط با ایران، با سیدعباس عراقچی معاون سیاسی وزارت امور خارجه کشورمان دیدار نمود و از تلاش دولت آلمان برای حفظ برجام و گسترش روابط اقتصادی آلمان و ایران تاکید ورزید. وی از اقدام آمریکا در زمینه برجام ابراز تأسف نمود و بر تلاش آلمان در جهت پایبندی طرفین در برجام ابراز امیدواری نمود. آکرمان در این دیدار ضمن اشاره به

اهمیت برجام به عنوان نشانه‌ای از موفقیت دیپلماسی و همچنین انتقاد از تصمیم آمریکا برای خروج از برجام، اراده کشورش برای ادامه حمایت از توافق هسته‌ای را مورد تاکید قرار داد (ایرنا ۱۳۹۸).

در یک نگاه کلی؛ آلمان، یک کشور مدرن صنعتی با زیرساخت‌های اقتصادی مطمئن است. وجود شرکت‌های پیشرفته‌ای همچون:

- شرکت‌های ماشین سازی BMW, Audi, VolksWagen, Benz, Skoda

- شرکت‌های کشتی سازی Hamburg Süd, Lürssen Fassmer, Blohm+Voss

, Meyer Werft,

- شرکت‌های الکتریسته Bosch, Braun, Siemens, Deutsche Telekom

- شرکت‌های شیمیایی BASF, Bayer AG

- شرکت‌های زنجیره‌ای خرید Kaufhof, Aldi, Saturn, Rewe, Lidl

Karstadt,

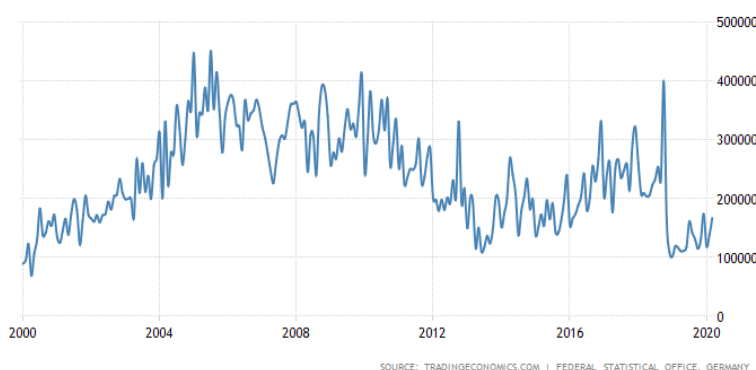
- شرکت‌های تولید پوشاک و نساجی adidas, Puma, Spirit, Ettlin-Textiles

Tom Taylor, C&A,

سبب گردیده است که آلمان از ساختار اقتصادی بسیار قوی در سطح جهانی برخوردار گردد. کشور آلمان در زمینه علمی و دانشگاهی نیز سرمایه گذاری‌های بسیاری کرده است، به طوری که اکثر دانشگاه‌های آلمان از رتبه علمی بالایی در سطح جهانی برخوردارند. اکتشافات علمی در زمینه‌های فلسفی، اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژی در دانشگاه‌ها و یا مؤسسات علمی همچون MaxPlanck, DAAD, Göttingen, Shtudgart, Humboldt, Freie Berlin, Münster ... نشان دهنده آینده نگری و درایت سیاست مداران آلمان در سرمایه گذاری مراکز علمی و دانشگاهی است. از طرفی دیگر، نهادهای بودن تفکر اعتلا و پیشرفت کشور در مردم آلمان باعث به وجود آمدن چرخه قوی فکری در سطح سیاسی و عمومی جامعه گردیده و موجب مطرح شدن آلمان به عنوان یک کشور فرهنگی، علمی و اقتصادی در سطح جهانی گردیده است.

سابقه همکاری‌های سیاسی میان ایران و آلمان و همچنین پتانسیل‌ها و منابع طبیعی موجود در ایران، موجب گردیده است که ایران از نظر اقتصادی از جایگاه ویژه نزد آلمان برخوردار گردد. آلمان به عنوان مهم‌ترین کشور انتقال دهنده تکنولوژی به ایران در

میان اعضای اتحادیه اروپا، می‌تواند روابط گسترده‌تری در عرصه اقتصادی با ایران داشته باشد. آلمان تأمین کننده ۳۵ درصد واردات ایران از اروپا است (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۶۴). در سال ۲۰۱۴ بیش از ۴۹/۹ درصد از سرمایه‌گذاری کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ایران توسط آلمان انجام شده است (رنجبردار، ۱۳۹۷: ۹).



با توجه به نمودار یاد شده، می‌توان دریافت که بدلیل مسائل هسته‌ای و تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، حجم مبادلات اقتصادی ایران با آلمان تا سال ۱۳۹۵ کاهش چشمگیری یافته است. پس از امضاء توافق نامه برجام در سال ۱۳۹۵، صادرات و سرمایه‌گذاری آلمان در حوزه‌های مختلفی از جمله، تولید ماشین آلات، قطعات و وسایل نقلیه و خودرو، صنایع پتروشیمی، صنایع شیمیایی، تولید انواع محصولات الکتریکی و مصالح ساختمانی افزایش یافته است. شرکت کهنه کار زیمنس با سابقه ۱۵۰ ساله در صنعت آلمان پس از غیبت چندساله بار دیگر در ماه مارس سال ۲۰۱۶ میلادی به ایران بازگشت و همکاری مجدد خود را با گروه مپنا در زمینه تولید توربین‌های گازی و ژنراتورهای نیروگاهی آغاز کرد. همچنین شرکت دایملر نیز در ژانویه سال ۲۰۱۶ دو قرارداد برای تولید کامیون‌های مرسدس بنز با طرفهای ایرانی خود امضاء کرد. با توجه به نمودار بالا، بعد از امضای برجام شاهد رشد حجم مراودات اقتصادی ایران و آلمان می‌باشیم که این نشان دهنده پتانسیل بالای سرمایه‌گذاری اقتصادی در ایران برای شرکت‌های آلمانی و همچنین نشان دهنده خواست دو کشور برای گسترش روابط می‌باشد (رنجبردار، ۱۳۹۷: ۲۸).

کشورهای منطقه آلمان از جمله کشورهای سوئیس و اتریش، اشتراکات زبانی و فرهنگی و نژادی بسیار زیادی با آلمان دارند که موجب نزدیکی سیاسی و اقتصادی این کشورها با یکدیگر شده است و بدین جهت این منطقه را DACH-Region می‌نامند که حروف اختصاری آن عبارت‌اند از D=Deutschland, A=Austria و CH=Confoederatio Helvetica نام لاتین سوئیس است. (Thill, 2014)

ایران با کشورهای اتریش و سوئیس دارای تبادلات اقتصادی و فرهنگی بسیاری است که از جمله می‌توان به چشم انداز انتقال گاز ایران به این کشورها اشاره کرد. اتریش از سال ۱۹۹۵ به عضویت اتحادیه اروپا درآمد و با توجه به ساختارهای قوی فرهنگی و اجتماعی از مناسبات بسیاری با دیگر کشورهای اتحادیه اروپا برخوردار است. لازم به ذکر است که؛ سوئیس از اعضای اتحادیه اروپا نیست، ولیکن از روابط نزدیکی با شورای همکاری اتحادیه اروپا برخوردار است. بر اساس تحکیم و تجدید رویکرد دوجانبه، سوئیس قصد دارد تا یک رابطه تنظیم شده با اتحادیه اروپا را بر اساس مشارکت برای فراهم ساختن زمینه‌های توسعه، برقرار سازد. سوئیس تلاش می‌نماید، روابط خود با کشورهای همسایه را، با توجه به نقش اصلی آن‌ها به عنوان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، افزایش دهد. فراتر از کشورهای همسایه، سوئیس از طریق دیدارهای مکرر دیپلماتیک به دنبال حفظ و گسترش روابط نزدیک با همه کشورهای اتحادیه اروپاست. این تلاش در زمینه توسعه، ادامه و تشدید همکاری در مورد موضوعات خاص و همچنین انجام فعالیت‌های چند جانبه در سازمان ملل یا سازمان امنیت و همکاری اروپاست (FADF: 15). در سیاست خارجی کشورهای اتریش و سوئیس، اصل بی طرفی و یا عدم دخالت در مسائل و بحران‌های بین‌المللی، نشان از رویکرد ملی آن کشورهاست. (FADF: 11; Meyer, 2007: 6)

آلمان، اتریش و سوئیس در مرکز اروپا قرار دارند. این کشورها هم به عنوان شریک مهم اقتصادی و هم به عنوان پلی بین شمال و جنوب اروپا عمل می‌کنند و بیشتر از سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا در هم آمیخته‌اند. با توجه به برخورداری این سه کشور از پیشرفت‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی، دیگر کشورهای اروپایی به دنبال گسترش روابط با این کشورها در جهت ارتقای کیفیت اقتصادی و آموزشی خود هستند.

حال با توجه به جایگاه آلمان، اتریش و سوئیس در اروپا از یک سو و رویکرد بی طرفی و یا عدم دخالت این کشورها در سیاست‌های کلان با ایران از سوی دیگر، به نظر می‌رسد، ایران باید در جهت افزایش حجم معاملات تجاری و اقتصادی و روابط علمی و فرهنگی با کشورهای آلمان، اتریش و سوئیس گام موثری بردارد. در ادامه با توجه به مطالب بیان شده، مدل آلمان و منطقه آلمان در راستای سیاست خارجی ایران ارائه می‌گردد، با این توضیح که؛ منطقه آلمان بیانگر کشورهای اتریش و سوئیس است.

با توجه به اشتراکات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بین کشورهای آلمان، سوئیس و اتریش، گسترش همکاری فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران با منطقه آلمان تأثیر بسیار زیادی بر افزایش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی ایران و آلمان خواهد شد و با توجه به جایگاه تأثیر گذار آلمان بر اتحادیه اروپا، گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا را در پی خواهد داشت و در ادامه، این روابط با توجه به تأثیر گذاری اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل، باعث افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی ایران در منطقه و جهان خواهد گردید.

حال، با توجه به زیرساخت‌های متنوع و نیرومند آلمان و منطقه آلمان در زمینه‌های مختلف صنعتی، اقتصادی و علمی، زمینه‌ها و راه‌های گسترش روابط بین آن‌ها در چند حوزه مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

• **تدریس زبان آلمانی در دبیرستان:** ساختار آموزشی یک کشور نقش بسزایی در استقلال و موفقیت آن کشور در سطح منطقه ای و بین‌المللی دارد. هر اندازه ساختار آموزشی از متدهای علمی و مدرن بهره مند باشد، مردمان آن کشور از نظر علمی، آموزشی و فرهنگی در جایگاه بالاتری قرار خواهند گرفت. در سیستم آموزشی ایران نیز باید آموزه‌ها در نهایت منجر به اعتلای سطح علمی، فرهنگی و عملیاتی دانش آموزان شود. در این راستا آموزش زبان خارجی به دانش آموزان از آنجا که باعث گستردگی ارتباط با دنیای بین‌الملل می‌شود، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

با توجه به اینکه زبان قرآن عربی می‌باشد، آموختن زبان عربی در سیستم آموزشی ایران از اهمیت بالایی برخوردار گردیده است. و همچنین با توجه زبان همسایگان جنوبی ایران عربی می‌باشد، آموختن زبان عربی باعث تعامل بیشتر فرهنگی و اجتماعی

با کشورهای عرب زبان خواهد گردید.

دانستن زبان‌های بین‌المللی از جمله زبان انگلیسی نیز موجب گسترش ارتباطات بین‌المللی می‌شود. بنابراین، تدریس زبان عربی و انگلیسی در مدارس ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه، اهمیت یادگیری زبان انگلیسی، سبب گردیده که بیشتر خانواده‌ها با توجه به توان مالی و یا میزان دسترسی به مؤسسات زبان انگلیسی از دوران ابتدایی و یا حتی پیش دبستانی فرزندان خود را جهت فراگیری به مؤسسات آموزش زبان بفرستند. اگرچه، از یک سو غیر سیستماتیک بودن و چندگانگی آموزش‌ها در این مؤسسات، و از سوی دیگر نداشتن توان مالی و قدرت دسترسی برای همه خانواده‌ها، و در نتیجه بی بهره ماندن تعداد زیادی از دانش آموزان از رقابت در فهم و آموزش زبان‌های خارجی، سبب گردیده است که انسجام آموزشی چندانی در این زمینه وجود نداشته باشد.

اندیشمندان در حوزه یادگیری زبان، نظریه دوره حیاتی Critical Period را مطرح می‌نمایند. این نظریه بیان می‌دارد که یک کودک با توجه به اینکه در سنین ۸-۱۰ سالگی به گرامر و نوشتار زبان مادری تسلط پیدا می‌کند، بهترین زمان برای یادگیری زبان دوم می‌باشد. و از سنین ۸-۱۰ سالگی به بعد، هر ساله از میزان توانایی یادگیری دانش آموزان به یادگیری زبان دوم کاسته می‌شود (Hamidi, 2012: 2)

لذا با توجه به اهمیت دوره حیاتی Critical Priod و تأکید بر شروع تدریس زبان خارجی در سنین ۸ تا ۱۰ سالگی برای یادگیری زبان دوم، ضروری است زبان انگلیسی از کلاس سوم یا چهارم ابتدایی به صورت مدرن و پیشرفته در نظام آموزشی ایران تدریس گردد تا در پایان کلاس نهم، دانش آموزان بتوانند به فهم و بیان زبان انگلیسی مسلط گردند.

در ادامه، با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری درباره فراگیری دیگر زبان‌های خارجی جهت رها شدن از انحصار زبان انگلیسی، می‌توان یکی دیگر از زبان‌های خارجی از جمله آلمانی، فرانسوی، روسی و چینی را در نظام آموزشی گنجانند. زبان فرانسه به زبان روم باستان نزدیک‌تر است (Kabetek, 2011: 70) و زبان‌های روسی و چینی از رسم الخط و قوانینی جدا از زبان انگلیسی برخوردارند. این مسئله، مشکل در

فهم و آموزش این زبان‌ها به عنوان زبان‌های خارجی دوم را به دنبال دارد. از نظر زبان شناسی، زبان‌های آلمانی و انگلیسی از نظر لغوی، گرامری و ساختاری هم خانواده می‌باشند و بیش از ۲۵٪ کلمات آلمانی و انگلیسی شبیه یکدیگر بوده و از یک ریشه نشأت می‌گیرند (Momma, 2008, Chapter 13; Rao, 2018: 4) بنابراین آموزش و فهم زبان آلمانی برای دانش‌آموزان ایران بسیار ساده‌تر و آسان‌تر از زبان‌های دیگر خواهد بود. از طرفی، نزدیکی تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران با آلمان و همچنین حجم بالای مراودات اقتصادی با این کشور موجب می‌گردد که تدریس زبان آلمانی در مدارس ایران از درجه اهمیت بالاتری برخوردار باشد. نتیجه این که می‌توان زبان آلمانی را به عنوان تنها کاندیدا برای تدریس زبان خارجی دوم در مدارس ایران تلقی کرد. قابل ذکر است که با توجه به این که زبان آلمانی زبان مشترک آلمان و منطقه آلمان است تدریس این زبان، سبب افزایش مراودات فرهنگی، اجتماعی، علمی، تجاری، اقتصادی و سیاسی ایران با آلمان و منطقه آلمان خواهد شد.

• **خودنویس:** کشورهای پیشرو از جمله آلمان در زمینه علمی با همکاری نخبگان تلاش دارند تا سرمایه‌گذاری بسیار زیادی را در مراکز علمی و آموزشی به خصوص در مدارس انجام دهند تا بسترهای لازم برای تحصیل و نهادینه شدن علم در کشور را فراهم نمایند. هر اندازه میزان تحصیلات و سطح عمومی کتابخوانی در یک جامعه بیشتر شود، فرهنگ عمومی آن جامعه نیز ارتقا می‌یابد و همچنین میزان جرم و معضلات اجتماعی کاهش می‌یابد. دولتمردان با افزایش کیفیت آموزشی و تحصیلی، موجبات گسترده شدن جامعه نخبگان و در نتیجه حفظ تعادل و انسجام اجتماعی خود را در سطح ملی و جهانی فراهم می‌سازند. در این راستا اگر دانش‌آموزان و محصلان در نوشتن از ابزاری استفاده کنند که برای آنان لذت بخش باشد، آن گاه رغبت بیشتری به نوشتن خواهند داشت و در هنگام نوشتن تکالیف، دقت بیشتری خواهند نمود. در نتیجه به درس و تحصیل راغب‌تر و در پیشرفت تحصیلی موفق‌تر خواهند شد و تحصیل برای آنان درجه اهمیت بالاتری خواهد داشت.

در این راستا نخبگان علمی در آلمان تلاش می‌نمایند با تولید نوشت افزارهای مدرن، شیک و کارا، لذت نوشتن را برای دانش‌آموزان افزایش دهند. وجود شرکت‌های

بزرگ آلمانی در سطح جهانی در تولید لوازم تحریر با کیفیت و متنوع از جمله Pelikan, Lamy, Faber-Castle, Rotring, Staedtler, Diplomat گویای اهمیت این موضوع است. در این راستا، نظام آموزشی آلمان سعی کرده است که استفاده از بعضی لوازم تحریر مورد استفاده در مدارس را جهت بخشد. در این کشور دانش آموزان تا کلاس سوم ابتدایی از مداد استفاده می‌کنند، ولیکن از اواسط کلاس سوم ابتدایی خودنویس ابزار جایگزین مداد می‌شود. چنان که در سیستم آموزشی ایران، دانش آموزان تا اواسط کلاس سوم دبستان برای نوشتار از مداد و در ادامه به جای مداد از خودکار برای نوشتار استفاده می‌کنند. با توجه به این که نوشتن با خودنویس لذت بخش تر از نوشتن با خودکار است، دانش آموزان یا افراد دیگر جامعه از نوشتن با خودنویس لذت بیشتری خواهند برد. آن‌ها تلاش خواهند کرد تا زمان بیشتری را برای نوشتن صرف نمایند و سعی خواهند کرد که ایده‌ها، داستان‌ها و یا تراوشات ذهنی خود را به صورت نوشتار در بیاورند. در ادامه این افراد برای وسعت بخشیدن به حیطه دانستنی‌های خود تلاش خواهند کرد که کتاب‌ها و مطالب بیشتری را مطالعه نمایند و مطالب بیشتری برای نوشتن داشته باشند. استمرار در این مسیر باعث ایجاد فرهنگ کتاب خوانی در سطح جامعه خواهد شد که از ارکان پیشرفت فکری و فرهنگی یک جامعه محسوب می‌شود. به علت ساختار نوک خودنویس و جریان جوهر، دانش آموزان در استفاده از خودنویس دقت بیشتری را اعمال می‌نمایند. این امر باعث ایجاد نظم و انضباط در ساختار فکری دانش آموزان و همچنین باعث بهبود مهارت‌های حرکتی و توسعه ذهن آنان می‌گردد. از طرفی جوهر خودنویس با چسبندگی کمتری نسبت به جوهر خودکار به کاغذ می‌چسبد که این باعث نوشتن با حداقل فشار روی کاغذ می‌شود و نوشتن با خودنویس را برای مدت طولانی تر ممکن می‌سازد و لذت نوشتن را افزایش می‌دهد. کارشناسان دست خط بر اهمیت دست خط و پیوند آن با شخصیت و شخصیت کلی یک انسان تأکید می‌ورزند (Gupta, 2017: 6).

کشور ایران از نظر داشتن مواد اولیه معدنی برای ساخت خودنویس و مواد نفتی برای تولید جوهر خودکفاست. در این راستا شرکت‌های تولید نوشت افزار ایران می‌توانند با شرکت‌های آلمانی از جمله پلکان، شیفر یا لامی در جهت تولید لوازم

نوشتاری باکیفیت از جمله خودنویس و جوهر همکاری نمایند. این همکاری، تأثیر بسیار زیادی در خودکفایی ایران در تولید لوازم نوشتاری خواهد داشت. وزارت آموزش و پرورش نیز می‌تواند با در پیش گرفتن رویکرد استفاده از خودنویس در اواسط سال تحصیلی سوم ابتدایی، سبب لذت بردن بیشتر دانش آموزان از نوشتن و راغب تر شدن آنان به انجام تکالیف شود. شرکت‌های تولید خودنویس و جوهر نیز می‌توانند هم خودنویس‌هایی را برای دانش آموزان طراحی نمایند که از نظر هزینه به صرفه باشند و هم با تولید نوک قلم‌هایی با پهنای مختلف، دانش آموزان و سایر افراد را به خوشنویسی - بدون حمل دوات و قلم - ترغیب نمایند. همچنین از نظر اقتصادی و تجاری باعث خودکفایی ایران در تهیه لوازم نوشتاری در داخل و به وجود آمدن شغل و درآمد‌های ارزی با صادرات لوازم نوشتار ایرانی به کشورهای دیگر جهان خواهد شد. از طرفی با توجه به اینکه آلمان تنها کشوری در جهان است که خودنویس را در سیستم آموزشی خود نهاده‌ی نه نموده است، اجرای این طرح سبب افزایش تعاملات فرهنگی و آموزشی بین ایران و آلمان نیز می‌گردد.

• صنعت اتومبیل سازی:

ایران با داشتن شرکت‌های اتومبیل سازی ایران خودرو و سایپا این پتانسیل را دارد که بتواند با تولید ماشین‌های مدرن، ایمن، شیک و کم مصرف نقش بسیار زیادی در توسعه اقتصادی کشور ایفا نماید. در این راستا شرکت‌های ایران خودرو و سایپا می‌توانند از تجربیات و تکنولوژی‌های شرکت‌های مهم دنیا از جمله آلمان استفاده نمایند. از جمله شرکت‌های مدرن و بزرگ اتومبیل سازی آلمان می‌توان به فولکس واگن Volkswagen اشاره کرد. فولکس واگن مرکب از دو کلمه Volk مردم و Wagon ماشین است که هدف این کارخانه، ساخت اتومبیل با کیفیت برای عموم مردم است. بحران زیست محیطی که برای این شرکت در سال ۱۳۹۵ پیش آمد و باعث از دست دادن ارزش آن شده بود فرصت خوبی برای ایران است تا شرکت فولکس واگن را برای احیای بازار از دست رفته خود دعوت به همکاری در صنایع خودروسازی ایران نماید (Goel 2015: 34).

همچنین این شرکت با دیگر شرکت‌های اتومبیل سازی دنیا همکاری‌های بسیاری داشته است. در سال ۱۳۷۰ سهام شرکت اتومبیل سازی کشور چک بنام اشکودا Škoda را خریداری کرده و این شرکت در حال حاضر زیرمجموعه فولکس واگن محسوب می‌شود. مدیریت شرکت فولکس واگن بر شرکت اشکودا باعث شده است که این شرکت به عنوان یک برند جدید جهانی در صنعت اتومبیل مطرح گردد و در سال ۱۳۹۸ بیش از یک میلیون خودرو تولید نماید (Skoda homepage).

در ایران نیز، می‌توان از تجربیات شرکت فولکس واگن برای توسعه و گسترش صنعت اتومبیل سازی استفاده کرد. همکاری شرکت‌های خودروسازی ایران و یا تأسیس شرکت خودروسازی داخلی با همکاری شرکت اتومبیل سازی فولکس واگن و تولید اتومبیل‌های ایمن، باکیفیت و مدرن می‌تواند به دلیل ارزان بودن نیروی کار در ایران نسبت به آلمان و همچنین وجود بازارهای داخلی و خارجی مانند کشورهای خاورمیانه، هند، کشورهای شمال دریای خزر موفقیت‌های بسیار را به دنبال داشته باشد. همه موارد بیان شده بر این امر تأکید دارد که ایران می‌تواند جایگاه خوبی برای ایجاد و توسعه بازار اتومبیل در خاورمیانه ایجاد نماید. جلب توجه شرکت‌های اتومبیل سازی آلمان از جمله فولکس واگن و گسترش همکاری‌های شرکت‌های اتومبیل سازی ایرانی و آلمانی باعث کسب منفعت طرفین خواهد شد و به طور حتم، گسترش زیربنای تولیدی و اقتصادی و در اختیار گرفتن بازار خاورمیانه را برای ایران در بر خواهد داشت.

• **انرژی:** بیشتر کشورهای مرکزی اروپا از جمله آلمان، سوئیس، اتریش، دانمارک، هلند، فرانسه و لهستان در جهت تأمین انرژی، سیاست‌های کلانی از جمله استفاده از انرژی‌های خورشیدی و بادی را در پیش گرفته‌اند. با این حال این کشورها از مهم‌ترین وارد کنندگان گاز از روسیه هستند. شرکت گاز پروم روسیه بیشتر گاز مصرفی اروپا را تأمین می‌کند. بحران گازی بین روسیه و اوکراین در سال ۱۳۸۷ باعث نگرانی اتحادیه اروپا در تأمین انرژی گردید. اروپا هم به دلیل تأمین انرژی از راه‌های متفاوت و هم به دلیل کاهش بار سیاسی روسیه بر خود در تأمین انرژی، خواهان گسترش تبادلات انرژی با دیگر کشورها می‌باشند. در این راستا، کشورهای اروپایی به دنبال امضای قراردادهایی با شرکت ملی گاز ایران بوده‌اند. از جمله این قراردادها، می‌توان به قراردادی که سوئیس

در سال ۱۳۸۸ با ایران امضا کرد، اشاره کرد. قراردادی برای واردات گاز میان شرکت ملی گاز ایران و شرکت سوئیسی EGL (صاحبی، ۱۳۹۶: ۱۵).

همچنین قراردادی خط لوله Nabucco که خط لوله‌ای است برای انتقال گاز طبیعی از منابع دریای خزر به اروپا از طریق آذربایجان، گرجستان، ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش را نیز می‌توان اشاره کرد. ایران با اتخاذ دیپلماسی فعال و هدفمند می‌تواند شرکت‌های سرمایه‌گذار در صنعت نفت و گاز آلمان، سوئیس و اتریش را در مسیر اجرایی کردن این برنامه‌های کلیدی و اساسی متقاعد نماید. عملیاتی شدن پروژه صادرات گاز ایران به آلمان و منطقه آلمان سبب خواهد شد که ایران بتواند به طور مستقیم گاز خود را به اروپا صادر و موجبات توسعه مناسبات اقتصادی را در بخش نفت و گاز بین ایران، آلمان و منطقه آلمان و به تدریج سایر کشورهای اروپایی فراهم نماید. همچنین، گسترش چنین مناسباتی، همکاری‌های سیاسی و اقتصادی در حوزه‌های مختلف نیز به دنبال خواهد داشت.

• **خدمات اجتماعی و قیمت:** ایران در سال‌های اخیر در زمینه خدمات اجتماعی، ارائه و کنترل قیمت تمام شده کالاها شاهد افسارگسیختگی و بی‌برنامگی در بازار خدمات بوده است. قیمت محصولی خاص از یک کمپانی در نقاط مختلف می‌تواند متفاوت باشد، این مسئله خود، باعث افزایش کاذب قیمت‌ها و در نتیجه تورم در کشور خواهد گردید. گاهی مسئولین برای حل این مشکل و کنترل قیمت‌ها به کنترل برخی از مغازه‌ها می‌پردازند. ولیکن تجربه نشان داده است که کنترل تمامی مغازه‌ها امکان‌پذیر نیست و این عملکرد باعث کنترل و یا کاهش قیمت‌ها نشده است.

در راستای کنترل کیفیت و هزینه‌های کالاها در آلمان سرمایه‌گذاری بسیار زیاد شرکت‌های زنجیره ای تأمین‌کننده کالاها را بر اساس مواد غذایی، پوشاک و بهداشتی مانند Karstadt, Kaufhof, Aldi, Rewe, Lidle, Saturn شاهد می‌باشیم و تنها چند شرکت در آلمان چنین خدماتی گسترده و منظمی را به مردم ارائه می‌نمایند. در این راستا اگر دولت در هر برهه از زمان بخواهد نقش کنترلی را بر کیفیت و قیمت کالاها در بازار ایفا نماید، کافیهست که با مدیریت این چند شرکت خدماتی وارد مذاکره گردد. وجود این شرکت‌های بزرگ باعث رقابت در تولید با کیفیت کالاها همراه با

خدمات‌دهی بهتر و کنترل بر قیمت‌ها می‌گردد. شرکت‌های زنجیره‌ای مربوطه با شرکت‌های تولیدی مواد غذایی، پوشاک، مواد بهداشتی و غیره وارد مذاکره شده و محصولات به طور مستقیم و بدون واسطه حمل می‌گردد و به شکل گسترده و مستقیم در اختیار مردم قرار می‌گیرد. این روند تأثیر فراوانی بر کنترل قیمت و کیفیت کالاها داشته است. نکته دیگر این که؛ با توجه به گستردگی بازار فروش در سطح کشور، شرکت‌های زنجیره‌ای سعی می‌کنند که سود فروش کالاها را تا حد امکان کاهش دهند تا با افزایش میزان فروش، میزان سود خود را نیز جبران نمایند. در ادامه، شرکت‌های زنجیره‌ای سعی می‌کنند که در فرایند تولید و حمل نیز وارد عمل گردند تا بتوانند کیفیت و قیمت کالاها را تحت نظر داشته باشند. این روند باعث افزایش کیفیت محصولات و ثابت ماندن قیمت کالاها در طول سال‌های متمادی گردیده است.

در چند سال اخیر در ایران شرکت‌های زنجیره‌ای از جمله شرکت زنجیره‌ای افق کوروش ضمن توافق با شرکت‌های تولیدی، محصولات آن‌ها را مستقیم و بدون واسطه و با قیمتی پایین‌تر از سایر فروشگاه‌ها و مغازه‌ها به مردم عرضه می‌نماید. با ایجاد و توسعه همکاری بین شرکت‌های زنجیره‌ای ایران و آلمان و فراهم نمودن زمینه‌های مناسب برای استفاده از تجربیات مدیریتی و علمی آن‌ها، می‌توان شاهد افزایش کیفیت کالاها، کنترل هزینه کالاها، عرضه مستقیم و گسترده محصولات در تمام نقاط ایران، و در نهایت ثبات در بازار و اقتصاد کشور در زمینه تولید و عرضه اقلام اساسی بود.

تمام نکات بیان شده و همچنین برنامه‌های ارائه شده در این مقاله، بیانگر گستردگی روابط ایران با آلمان در حوزه‌های مختلف اقتصادی، علمی و فرهنگی و همچنین اهمیت مدل ارائه شده آلمان و منطقه آلمان می‌باشد. ایران با همکاری اندیشمندان و سرمایه‌گذاران آلمان و منطقه آلمان می‌تواند ساختارهای اقتصادی در حوزه‌های ماشین‌سازی، صنعتی، انرژی، کشاورزی و غیره را توسعه و گسترش دهد. مطالعه و شناخت کشورهای واقع در خاورمیانه و بررسی تفکر مردمان و سیاست‌گذاران اکثر این کشورها، نشان از تفکر مصرفی حاکم بر آن جوامع است و اینکه سیاستمداران این کشورها برنامه‌های بنیادین برای گسترش زیر ساخت‌های اقتصادی و علمی از جمله صنایع خودروسازی، کشاورزی، انرژی را در کشور خود ندارند. هر چند که در سال‌های

اخیر کشورهای عربستان، امارات و عراق تلاش نمودند که جایگاه اقتصادی خود را بهبود بخشند، ولیکن با توجه به نبودن متخصصان داخلی، تلاش‌های صورت گرفته به صورت خرید صرف تکنولوژی از کشورهای دیگر جهان باقی مانده است. ایران با استفاده از متخصصین علمی و دانشگاهی خود در حوزه‌های مختلف کشاورزی، صنعتی، ماشین سازی، انرژی و با همکاری کشورهای پیشرو در این زمینه‌ها، از جمله آلمان، در جهت شتاب بخشیدن به توسعه و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تولید کالاهای اساسی و باکیفیت در حوزه‌های مختلف، می‌تواند بازارهای داخلی و منطقه‌ای را به سیطره خود درآورد و باعث ایجاد شغل و ارزآوری همچنین ایجاد اقتصادی امن و پویا در کشور شود. استمرار چنین برنامه‌هایی، باعث افزایش قدرت سیاسی، امنیتی و اقتصادی همه جانبه ایران در منطقه خاورمیانه خواهد شد. در این راستا وزارت امور خارجه ایران می‌تواند حتی به صورت یک طرفه، حذف ویزای شهروندان کشورهای آلمان و منطقه آلمان را در دستور کار خود قرار دهد تا اندیشمندان، دانشگاهیان و سرمایه‌گذاران بتوانند به سهولت وارد ایران گردند و با همکاری آنان پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری در ایران مورد شناسایی قرار گرفته و در ادامه عملیاتی گردد. از طرفی باتوجه به این که توریست‌های کشور آلمان حجم بالای مسافرت به ایران را به خود اختصاص داده‌اند (دائی کریمزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۵)، حذف ویزای آلمان و منطقه آلمان می‌تواند حضور بیش از پیش توریست‌های آلمان و منطقه آلمان در ایران را در پی داشته باشد. این امر، خود باعث سودآوری در صنعت گردشگری و اقتصادی ایران خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به قدرت سیاسی، امنیتی و اقتصادی اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل، ایران باید روابط سیاسی و اقتصادی با این اتحادیه را افزایش دهد. نمونه بارز اهمیت این روابط را می‌توان در حمایت اتحادیه اروپا از ایران در مسئله برجام ذکر کرد. همچنین، با توجه به قدرت اقتصادی و علمی آلمان در نظام بین‌الملل، می‌توان نقش آفرینی آلمان در سیاست‌های اتحادیه اروپا را مشاهده نمود. از طرفی با توجه به سیاست بی‌طرفی و یا عدم دخالت کشورهای آلمان و منطقه آلمان (سویس و اتریش) در سیاست‌های کلان با

ایران، افزایش روابط سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی ایران با آلمان و منطقه آلمان، می‌تواند موجب گسترش و توسعه زیربنای اقتصادی و علمی ایران گردد و همچنین موجب گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران با اتحادیه اروپا را در پی خواهد داشت. سیاستمداران، اقتصاددانان و اندیشمندان ایران با رویکردی کاربردی و اساسی به آلمان و منطقه آلمان، می‌توانند با اتخاذ برنامه‌ها و کارگروه‌های هوشمند و دقیق از پتانسیل‌ها و فرصت‌های موجود نهایت استفاده را برده و فرصت‌های توسعه‌ای بسیاری را خلق نمایند. به طور حتم گسترش روابط ایران با آلمان و اتحادیه اروپا، سبب افزایش جایگاه اقتصادی و سیاسی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل خواهد گردید.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله، خبازی، محمود. (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی آلمان در دوران شرویدر و مرکل در قبال جمهور اسلامی ایران». *مطالعات روابط بین‌الملل پژوهشنامه روابط بین‌الملل*، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۸۳-۱۴۵.
- اطاعت، جواد. رضایی، مسعود. (۱۳۹۱). «بررسی تحلیلی تحولات ارتباطات سیاسی و اقتصادی ایران با آلمان». *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره (۲۰)، صص ۱۹۲-۱۶۳.
- دائی کریم‌زاده، سعید. قبادی، سارا. فرودستان، نسیم. (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری بین‌المللی ایران: رهیافت خود توضیح با وقفه‌های گسترده». *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری*، سال هشتم، شماره (۲۳)، صص ۱۵۱-۱۳۱.
- دهقان، حوریه. سمیعی اصفهانی، علیرضا. (۱۳۹۶). «رویکرد دولت سازندگی به جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر رابطه دولت-بازار در دهه دوم انقلاب». *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال هشتم، بهار ۱۳۹۶، شماره (۳)، صص ۶۷-۴۰.
- رحمانی، علی. (۱۳۸۴). *آلمان: منافع ملی و امنیت جمهوری اسلامی ایران*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

رحیم‌زاد، فرزاد. (۱۳۸۷). *بررسی نقش و اهمیت آلمان در روابط اقتصادی با ایران*. تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

رنجبردار، مجید. آقایی، داود. (۱۳۹۷). «اقتصاد سیاسی روابط دوجانبه آلمان و ایران - مطالعه موردی سرمایه گذاری خارجی». *فصلنامه علمی سیاست جهانی*، دوره هفتم، شماره (۳)، صص ۴۴ - ۷.

صاحبی، هادی. سوری، پوریا. (۱۳۹۶). «توسعه شاخص‌هایی برای ارزیابی وضعیت صادرات گاز طبیعی ایران با رویکرد امنیت تقاضای انرژی». شماره ۵۰ علمی - پژوهشی (وزارت علوم)، شماره (۲۳)، صص ۹۱ - ۶۹.

طاهرپور، جواد. (۱۳۹۵). *برجام: سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات*. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کریمی، هوشنگ. (۱۳۸۷). «جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل در حال تکوین: موانع و چالش‌ها». *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و دوم، شماره ۹.

کیانی، داوود. (۱۳۸۸). *روابط ایران و آلمان در سیر روابط ایران و اتحادیه اروپایی: قابلیت‌ها و محدودیت‌ها*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

کیانی، داوود. (۱۳۹۱). «سیاست خارجی آلمان در ژئوپلیتیک نوین بین‌المللی»، *روابط خارجی سال چهارم*، شماره (۳)، صص ۱۶۴ - ۱۲۹.

کیانی، داوود. (۱۳۹۲). «آلمان و مدیریت بحران مالی اتحادیه اروپا». *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و دوم، شماره (۶۶)، صص ۳۶۳ - ۳۳۹.

کیانی، داوود. (۱۳۹۲). «مثلث روابط میان ایران، آلمان و اتحادیه اروپا». *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره (۳)، صص ۱۷۹ - ۱۵۱.

نظام‌پور، قدیر. شادمانی، مهدیه. اخوان، منیژه. (۱۳۹۵). «ارزیابی چگونگی راهبرد نوین مستشاری ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری در سوریه». *فصلنامه پژوهش‌های*

حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین، سال پنجم، شماره (۱۸)، صص ۱ - ۲۲.

منابع اینترنتی:

ایرنا ۱۳۹۸: <https://www.irna.ir/news/83263459> / ایران و آلمان سال حمایت از -
برجام - و شکوفایی روابط اقتصادی
خبرگزاری آفتاب ۱۳۹۷: <https://aftabnews.ir/fa/news/574039/> - سفیر آمری -
در آلمان راه E2%80%8C اندازی ای بی E2%80%8C احترامی به -
سیاست E2%80%8C های واشنگتن است.
تسنیم ۱۳۹۹: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/04/13/2298725> -
های متقابل علیه آمریکا
تابناک ۱۳۹۷: <https://www.tabnak.ir/fa/news/826082/> - خروج -
شرکت E2%80%8C های آلمانی از ایران
منابع انگلیسی:

- Cronberg, T. (2018). No EU, no Iran deal: the EU's choice between-multilateralism and the transatlantic link, *The Nonproliferation Review* 24(3):1-17.
- FADF, Federal department of foreign affairs of Swiss, https://www.eda.admin.ch/dam/eda/en/documents/publications/SchweizerischeAussenpolitik/Aussenpolitische-Strategie_EN.pdf
- Gupta, Priyank. (2017). Fountain Pen-Instrument of Efficient Writing; *International Journal of Research in Engineering, IT and Social Sciences*, Volume 07 Issue 10, Page 6-10.
- Fiedler, Radosław. (2017). European Union and the Islamic Republic of Iran, in: Ożarowski, R and Grabowski, *Political Dilemmas of the Arab and Muslim World*, Rambler Press, 13-30.
- Fiedler, Radosław. (2018). Iran and the European Union after the Nuclear Deal, *CES Working Papers*, ISSN 2067-7693, Alexandru Ioan Cuza University of Iasi, Centre for European Studies, Iasi, Vol. 10, Iss (3). 291-305.
- Goel, Anusha. (2015). Volkswagen the protagonist in diesel emission scandal. *South Asian J Mark Manage* 5(11) 32-40.
- Hamidi, Hadi. Sarem, Saeid Najafi. (2012). A Critical Look at the Available Literature on the Appropriate Time to Start Approaching a Second Foreign Language, *Advances in English Linguistics (AEL)* Vol. 1, No. (3), 76-79.
- Kabetek, Johannes y Claus D. Pusch. (2011). *The Romance languages: Typology*, enjan van der Auwera y Bernd Kortmann (eds.): The

- languages and Linguistics: Europe. Berlin y New York: Mouton de Gruyter, 69-96.
- Keohane, R.O. 1984. *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton: Princeton University Press.
- Keohane, Robert, O. Joseph S. Nye. (1977). *Power and Interdependence: World Politics in Transition*. Boston: Little, Brown & Co.
- Kundnani, Hans. (2011). "Germany as a Geo-Economic Power", *Washington Quarterly*, No. (3). 31-45.
- Meyer, Berthold. (2007). *Austria Between Felt Permanent Neutrality and Practised European Engagement*, PRIF- Research Paper I/10. Frankfurt am Main: HFSk.
- Momma, Haruko. Matto, Michael. (2008). *Companion to the History of the English Language*. Wiley-Blackwell.
- Mosalaei, Seyyed Masoud. Motallebi, Masoud. Mirkooshesh, Amir Hooshang. (2019). The role of Germany in Iran's relationship with the European Union, *Dilemas Contemporáneos: Educación, Política y Valores*. Special Issue, Vol. (6), 1-26.
- Perthes, Volker. (2004). *Germany and the Gulf: On the Way to a Policy?*, Paper presented to the workshop "International Interests in the Gulf: Policy Implications for the GCC Members", Abu Dhabi, Emirates Center for Strategic Studies.
- Rao, V. Chandra Sekhar, (2018). The Significance of the Words Borrowed Into English Language, *Journal of research scholars and professionals of english language and teaching*, Issue 6, Vol. 2, 1-9.
- Reuters homepage: <https://www.reuters.com/article/us-usa-trade-germany/germany-says-trumps-tariffs-sanctions-destroy-jobs-and-growth-idUSKBN1KX0CD>.
- Skoda homepage: <https://www.skoda-auto.com/company/about>.
- Sterio, Milena. (2016). President Obama's Legacy: The Iran Nuclear Agreement Case *Western Reserve Journal of International Law*, Volume 48; Issue 1, 60-82.
- Swift homepage: <https://www.swift.com/about-us>.
- Thill, Katharina. Venegas, Barbara Covarrubias. Grobbschegg, Sabine. (2014). HR roles and activities. Empirical results from the DACH region and implications for a future development of the HR profession, *International Journal of Business and Management* Vol. II (4), 97-109.